

•  
علی رهنما

# پشت پرده کودتای ۱۳۳۲ در ایران

اوباش، فرصت طلبان، ارتشیان، جاسوسان

ترجمه فریدون رشیدیان



سرشناسه: رهنما، علی، ۱۳۳۱ - Rahnama, Ali ● عنوان و نام پدیدآور: پشت پرده کودتای ۱۳۳۲ در ایران: اوباش، فرصت‌طلبان، ارتشیان، جاسوسان / علی رهنما؛ ترجمه فریدون رشیدیان. ● مشخصات نشر: تهران، نشر نی، ۱۳۹۸ ● نوبت چاپ: چاپ سوم، ۱۴۰۳ ● مشخصات ظاهری: ۵۵۸ ص. ● شابک: 978-622-06-0637-6 ● وضعیت فهرست‌نویسی: فنیبا ● یادداشت: عنوان اصلی: Behind the 1953 Coup in Iran: Thugs, Turncoats, Soldiers, Spook ● یادداشت: چاپ قبلی: رخداد نو، ۱۳۹۳؛ کتابنامه: ص ۵۴۷؛ نمایه. ● موضوع: نفت - ایران - صنعت و تجارت - ملی شدن - Petroleum industry and trade - Government ownership - Iran - تاریخ - کودتای ۱۳۳۲ Iran - History - Coup d'etat of 1953 - گاهشمار - Iran - History - Pahlavi, 1925-1978 - Chronology - شناسه افزوده: رشیدیان، فریدون، ۱۳۳۲ - مترجم. ● رده‌بندی کنگره: DSR۱۵۱۹ ● رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۲۴۰۴۵ ● شماره کتابشناسی ملی: ۶۰۲۱۹۹۱

قیمت: ۴۶۰۰۰۰ تومان

www.ketab.ir



پشت پرده کودتای ۱۳۳۲ در ایران

اوباش، فرصت‌طلبان، ارتشیان، جاسوسان

(ویراست دوم)

علی رهنما

مترجم: فریدون رشیدیان

ویرایش: تحریریه نشر نی

صفحه‌آرا: اصغر قلی‌زاده

چاپ سوم: تهران، ۱۴۰۳، ۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: باختر ● چاپ و صحافی: غزال

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۶-۰۶۳۷-۶

نشانی: تهران، خیابان دکتر فاطمی، خیابان رهی معیری، تقاطع خیابان فکوری، شماره ۲۰

کد پستی: ۱۴۱۳۷۱۷۳۷۱، تلفن دفتر نشر: ۸۸۰۲۱۲۱۴، تلفن واحد فروش: ۸۸۰۰۴۶۵۸-۹، نمابر: ۸۹۷۸۲۴۶۴

www.nashreny.com ● email: info@nashreny.com ● nashreny

© تمامی حقوق این اثر برای نشرنی محفوظ است. هرگونه استفاده تجاری از این اثر یا تکثیر آن، کلاً و جزئاً، به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

## فهرست مطالب

پیش‌گفتار	۱۳
روزشمار کودتا: از طرح اولیه تا اجرا	۲۳
مقدمه	۴۳
<b>فصل اول: واکنش انگلستان به مصدق زنهانی که بر سر قدرت بود:</b>	
«مصی بر نفت انگلیس چنگ می‌اندازد، مبروی برایایی به	
کمک می‌رود» (دیلی اکسپرس)	۵۹
رایحه کودتا در دوردست	۶۶
مصدق استعفا می‌دهد، اما فرد دیگری قادر به اداره امور نیست	۶۹
زمزمه‌های تازه کودتا	۷۲
جاده یک‌طرفه برکنارکردن مصدق	۷۴
نظامیان ناراضی به گرد زاهدی جمع می‌شوند	۷۸
نقشه کودتا فاش می‌شود: اتحاد میان خارج و داخل	۸۰
توافق بر سر دخالت خارجی	۸۴
تبعات داخلی توطئه خارجی	۸۷
ائتلاف مخالفان داخلی مصدق	۹۱
<b>فصل دوم: مخالفان مصدق ضربه می‌زنند: آزمودن تاکتیک‌ها</b>	
ساختن موج، سوارشدن بر موج، و کوبیدن آن بر ساحل مصدق	۱۰۰

مخالفتان چنگ و دندان نشان می‌دهند:

- ۱۰۷ ..... ربودن و به قتل رساندن رئیس شهرستانی مصدق
- ۱۱۳ ..... ارتشی‌ها و اوباش: جایگزین یا مکمل هم؟
- ۱۱۹ ..... فصل سوم: در «۹ اسفند» چه کسی فراخواند و چه کسی اجابت کرد؟
- ۱۲۲ ..... سازمان‌های نظامی مخفی تشکیل می‌شود
- ۱۲۴ ..... تشکیلات سیاسی ضد مصدقی: فاشیست، سلطنت‌طلب، نظامی و مذهبی
- ۱۳۳ ..... «مسلمانان مجاهد» کاشانی و «زحمتکشان ایران» بقایی

فصل چهارم: طرح عملیات آژاکس: فرماندهان کمپانی (سیا) و

- ۱۳۷ ..... کارگزاران شرکت (اینتلینجنس سرویس) فکر کودتا را عملی می‌کنند
- ۱۴۵ ..... سازمان مرتبط با اینتلینجنس سرویس: برادران رشیدیان
- ۱۵۱ ..... ایرانیان انگلیسی
- ۱۵۲ ..... شبکه رشیدیان
- ۱۵۸ ..... رشیدیان و سفارت بریتانیا در ایران
- ۱۶۴ ..... رشیدیان پیش از کودتا از شاه مراقبت می‌کنند

فصل پنجم: سازمان‌های مرتبط با سیا: تبلیغات و رزم

- ۱۶۹ ..... معمای برادران بوسکو
- ۱۷۱ ..... سازمان تبلیغاتی قدیمی سیا
- ۱۸۰ ..... سازمان رزمی جدید ایرانی سیا
- ۱۸۲ ..... سازمان رزمی جدید ایرانی سیا

فصل ششم: کودتای به دقت طراحی شده شکست می‌خورد:

- ۱۹۵ ..... بازگشت به میز طراحی
- ۲۰۲ ..... عوامل ثابت و متغیر طرح آژاکس
- ۲۰۶ ..... چرا کودتای اول شکست خورد؟
- ۲۰۹ ..... تجدید نظر فوری در تاکتیک‌ها
- ۲۱۴ ..... طرح ترکیبی چند مرحله‌ای اصلاح شده
- ۲۱۸ ..... وضع به نفع کودتاچیان برمی‌گردد

۲۲۱	فصل هفتم: قابلیت‌های شبکه‌های نظامی کودتای دوم
۲۲۵	وضعیت رزمی افسران حلقهٔ سرهنگ زندکریمی
۲۳۳	شبکهٔ فداییان شاه: چهل فرمانده خط مقدم
۲۴۳	فصل هشتم: کودتایی محلی و قابل اجرا
۲۴۵	«شورای جنگ» در قلمرو آمریکا در ایران
۲۵۵	روایت یکی از مقامات مطلع ایرانی از طرح
۲۵۶	ایجاد شرایط روانی مساعد برای کودتا
۲۶۵	فصل نهم: تدارکات مهم در لحظهٔ آخر
۲۶۵	بسیج «مردم» در محله‌های بدنام تهران
۲۶۸	سازمان دهندگان «تظاهرات عظیم»
۲۷۰	آماده‌سازی اسلحه بزرگ
۲۷۳	کاشتن تخم نافرمانی در سازمان‌ها
۲۷۵	سرکوب مخالفان سلطنت و ترسانان طرفداران مصدق
۲۷۹	خیابان‌ها برای «مردم شاه‌دوست» آماده می‌شوند
۲۸۴	حوادث مشکوک
۲۸۶	نفوذ در واحدهای دفاعی مصدق
۲۹۱	فصل دهم: کودتای دوم با حرکت گازانبری اوباش شروع می‌شود
۲۹۳	طیب و طاهر حاج‌رضایی
۳۰۰	حسین و نقی اسماعیل‌پور
۳۰۶	چوب و چماق‌های ارادل و اوباش
۳۰۹	ستون مشترک طیب - رمضون یخی
۳۱۱	محمود مسگر و بیوک صابر
۳۱۳	سایر باستانی‌کاران قلدر
۳۱۷	اوباش با شاه ملاقات می‌کنند
۳۲۱	فصل یازدهم: کودتاچیان مرکز شهر را اشغال می‌کنند
۳۲۵	ریخت‌شناسی تظاهرکنندگان

- ۳۲۹ ..... برنامه چهارمرحله‌ای برای روز موعود
- ۳۳۲ ..... گردن‌کلفت‌ها و هم‌مسلكانشان به حرکت درآمدند
- ۳۳۸ ..... مسلح کردن و هدایت تظاهرکنندگان
- ۳۵۳ ..... فصل دوازدهم: حمله به وزارت‌خانه‌ها و ساختمان‌های طرف‌داران مصدق
- ۳۵۵ ..... حمله به ادارات دولتی اطراف میدان سپه
- ۳۶۰ ..... تخریب مقر احزاب و دفاتر روزنامه‌های طرف‌دار مصدق در بهارستان
- ۳۷۱ ..... فصل سیزدهم: معمای تانک‌ها: خیانت یا بی‌کفایتی؟
- ۳۷۳ ..... واحد تانک «الف» تحت کنترل وفاداران به مصدق و نفوذی‌های مخالف مصدق
- ۳۷۸ ..... ماجرای عجیب واحد تانک «ب»
- ۳۸۱ ..... واحد تانک «پ» به نیروهای کودتا تحویل داده شد
- ..... واحد تانک «ت» طریق فعالیت هماهنگ‌شده شبکه‌های همدست
- ۳۸۵ ..... در توطئه به دام می‌افتد
- ۳۹۹ ..... فصل چهاردهم: سرنگونی مصدق
- ۴۰۰ ..... رادیو تهران سقوط می‌کند
- ۴۰۴ ..... زاهدی کجاست؟
- ۴۰۸ ..... به سوی هدف نهایی: حمله به منزل مصدق
- ۴۱۵ ..... مذاکره بر سر تسلیم مصدق
- ۴۱۸ ..... ضیافت گفتارها
- ۴۲۱ ..... فصل پانزدهم: شخصیت‌های برجسته مذهبی و کودتا
- ۴۲۴ ..... آیت‌الله بهبهانی
- ۴۲۶ ..... آیت‌الله کاشانی
- ۴۲۹ ..... آیت‌الله العظمی بروجردی
- ۴۴۰ ..... سید مجتبی نواب صفوی
- ۴۴۳ ..... فصل شانزدهم: چرا کودتای دوم موفق شد؟
- ۴۴۳ ..... اولین عامل: کارآمدی کودتایی با بازیگران متعدد

۴۵۰	دومین عامل: حاکمیت اغتشاش
۴۵۵	سومین عامل: پراکندگی در اردوی مصدق و یکدندگی نخست‌وزیر
۴۶۲	چهارمین عامل: ویژگی‌های اخلاقی خاص مصدق
۴۷۰	پنجمین عامل: پول مهم است
۴۷۷	فصل هفدهم: سرانجام کار مصدق: کودتا یا انتقال قانونی قدرت؟
۴۸۲	کودتا
۴۸۷	توجیه کودتا
	گزینه‌های برکناری مصدق به طرق شبه‌قانونی
۴۸۹	یا از طریق کودتای نظامی
۴۹۳	دوراهی اخلاقی، قانونی و سیاسی مصدق
۴۹۹	آیا انحلال مجلس هفدهم کودتا را توجیه می‌کرد؟
۵۰۷	نتیجه‌گیری
۵۲۳	شخصیت‌ها
۵۴۵	منابع
۵۵۱	نمایه

## پیش‌گفتار

تاریخ‌نگاری دورهٔ مصدق، چه رسد به تاریخ‌نگاری سرنگونی او، درست مانند اطلاعات ما از این دوره، در آغاز راه است. رشد این طفل، به علت فضای سیاسی که پس از برکناری مصدق حاکم شد متوقف ماند. بعد از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، دولتِ وقت، در موضوع‌های رسمی‌اش، مصدق را سیاستمداری تشنهٔ قدرت و عوام‌فریب معرفی می‌کرد که با سوءاستفاده از احساسات موجه ملی‌گرایانهٔ مردم در جهت دست‌یافتن به اهداف سیاسی‌اش حرکت می‌کرد؛ حرکتی که خلاف قانون اساسی، علیه سلطنت و غیردموکراتیک بود. فاتحانِ منازعه‌ای که سرانجامش سرنگونیِ خشونت‌آمیز مصدق بود، می‌بایست حتی اگر توجیهی برای اعمال خود ندارند دست‌کم آن اعمال را توضیح دهند. در دادگاهِ مصدق، حسین آزموده، دادستان ارتش، نخست‌وزیرِ برکنار شده را به خیانت، نقض قانون، عوام‌فریبی، به فلاکت کشاندن کشور، سرپیچی از قانون اساسی، خدمت به منافع بیگانگان، سعی در سرنگونی سلطنت، ایجاد یک جمهوری و نهایتاً کوشش برای رئیس‌جمهور شدن متهم کرد. مجازات چنین تخلفاتی، در صورت اثبات، اعدام بود، ولی مصدق نهایتاً به سه سال زندان محکوم شد.

تا ۳ مهر ۱۳۳۲ سپهبد فضل‌الله زاهدی، نخست‌وزیر جدید، "پنج پیغام برای شاه فرستاده بود که از او تقاضا می‌کرد به دادگاه ارتش دستور دهد تا در

اجرای حکم اعدام مصدق و دیگران شتاب ورزد.<sup>۱</sup> «اگرچه تصمیم شاه این بود که مصدق باید محاکمه و به مرگ محکوم شود، اما پس از صدور این حکم، همچنان بین عفو و اعدام او تردید داشت.»<sup>۲</sup> می‌توان چنین فرض کرد که انصراف شاه از اعدام مصدق (که احتمالاً به دلیل عکس‌العمل منفی‌ای بود که در مردم به وجود می‌آورد) به سبب آن بود که او آگاهانه سعی می‌کرد مصدق را از حافظه جمعی ایرانیان پاک کند. این تصمیمی از موضع قدرت بود که نشان می‌داد شاه به مصدق لطف کرده است، اما استمرار سلطنت شاه را تضمین می‌کرد. پرده ابهام و ناآگاهی کشیدن بر یکی از شخصیت‌های مهم تاریخی و بر دوره او با این هدف که مبادا این شخصیت، افکارش و خاطره‌اش هم‌پایه‌های برانگیزد، مستلزم ممانعت از تاریخ‌نگاری آن دوره بود. با سرکوشی‌های گزینش‌های سفت و سخت بر تاریخ‌نگاری این دوره حساس، سوءظن‌ها، کلاه‌سازها، هیجان‌ات و احساسات در میان ایرانیان به شکلی مهارنشده گسترش یافت و این پرسش را برانگیخت که به راستی در آن سال‌ها چه روی داده و آن دوران چطور چگونه به پایان رسیده است. این تعلیق تحمیلی بر اثر برخی خودسانسورهای، و بیش از آن بر اثر سانسور سخت دولتی، به ناآگاهی و برآمدن نوعی یقین و باورهای شهودی در میان کسانی انجامید که خودشان دوره مصدق را تجربه کرده بودند؛ به علاوه، در نسل‌های جوان‌تر نیز نوعی عطش دستیابی به حقیقت را برانگیخت.

این‌که مصدق چگونه، چرا و توسط چه کسانی از کار برکنار شد احتمالاً

1. National Security Archives, C01383765, from Roosevelt, 24 September 1953.  
<http://www2.gwu.edu/~nsarchiv/NSAEBB/NSAEBB435/docs/Doc%2015%20-%20201953-09.21%20Intrigues%20-%20Behbehani%20son%20-%20etc.pdf>.

2. National Security Archives C0138775, from Roosevelt, 2 October 1953.  
<http://www2.gwu.edu/~nsarchiv/NSAEBB/NSAEBB435/docs/Doc%2015%20-%20201953-09.21%20Intrigues%20-%20Behbehani%20son%20-%20etc.pdf>.

عاطفی‌ترین، مبهم‌ترین و حساس‌ترین بخش این معما باقی مانده است. اقدامات، قرارو مدارها، و تمهیداتی که برای برکناری مصدق صورت گرفت، خصوصاً به دلیل نقش مشکوک عوامل خارجی درگیر در آن، همواره مبهم، ضد و نقیض و پیچیده باقی ماندند. مداخله خارجی‌ها، که در آن زمان بر سر زبان‌ها بود، دو مشکل اساسی به وجود آورد که به واسطه آنها، انجام یک تحقیق درخور تا حد زیادی غیرممکن شد: نخست، عدم دسترسی به منابع بایگانی شده خارجی که می‌توانست گویای چنین مداخلاتی باشد و صحت یا سقم دعوی را مشخص سازد؛ دوم، ممنوعیت تحقیق در ایران به سبب واهمه از این‌که یک تحقیق جدی بتواند شواهدی فراهم آورد در این باره که، به راستی، آخرین پرده نمایش مصدق محصول مستقیم مداخله خارجی بوده است. ماجرای مصدق، به خصوص پایان آن، همچون زخمی کهنه در دل محمدرضا شاه باقی مانده و همواره موجب رنجش و آزرده‌گی‌اش بود. دغدغه برطرف‌نشده‌ی شاه بعد از ماجرای مصدق این بود که، به رغم خواستش برای فراموش کردن این دوره ناخوشایند، حتی در همان روزهای پس از برکناری مصدق هم می‌دانست که عموم مردم بر این باورند که دعوی مصدق به قصد تأمین منافع اقتصادی و سیاسی قدرت‌های خارجی بوده است.

در ۸ دی ۱۳۳۲، هفته‌نامه فردوسی با ظرافت و مهارت تمام - که از خصوصیات مطبوعات تحت کنترل شدید است - این باور عمومی را نشان داد، آن هم با چاپ دو عکس هم‌اندازه در کنار یکدیگر تحت عنوان "خبرهای هفته". در سمت راست، عکسی بود از مصدق برآشفته و غضبناک، که در زیر آن نوشته شده بود: "در ساعت ۳ بعد از ظهر روز ۳۰ آذرماه، دادگاه مصدق، که وقایع بین ۲۵ تا ۲۸ مرداد<sup>۱</sup> را بررسی می‌کرد، رأی نهایی خود را صادر کرد و مصدق را مجرم تشخیص داد." در سمت چپ، عکسی بود از دنیس رایت<sup>۲</sup> که در زیر آن نوشته شده بود: "در ساعت ۳

۱. در متن ۲۵ تا ۲۹ اوت آمده است (یعنی ۷-۳ شهریور) که اشتباه نویسنده است. -م.

بعد از ظهر روز ۳۰ آذرماه، آقای رایت، کاردار جدید سفارت بریتانیا، با چهارده کارمند وارد تهران شدند و در همان شب امور سفارت بریتانیا را در دست گرفتند و مشغول به کار شدند. "به زبان ساده، پیام این دو تصویر آن بود که مصدق می‌بایست زندانی می‌شد تا انگلیسی‌ها بتوانند به ایران بازگردند و منافع خود را دنبال کنند.

با سقوط محمدرضا شاه، تحقیق دربارهٔ دورهٔ مصدق در ایران آزاد شد. آزادی اندیشه، بیان، و نوشتن دربارهٔ این دوره، امکان انتشار آثار مختلف را (با کیفیت‌های متفاوت) دربارهٔ دولت مصدق و میراث او فراهم آورد. همچنین بخشی از مانع دوم نیز برطرف شد و دسترسی به بایگانی‌های اسناد مهم انگلستان و آمریکا و نیز گزارش‌های داخلی مهم سازمان سیا امکان‌پذیر شد. عامل سومی هم به امکان تحقیق دربارهٔ جزئیات وقایع سهولت بخشید: مصاحبه با نقش آفرینان ایرانی و ایرانی این رویداد، به‌خصوص مقامات ایرانی‌ای که بعد از انقلاب ۱۳۵۷ ایران را ترک کرده بودند و احساس می‌کردند که می‌توانند به صراحت دربارهٔ این دوره صحبت کنند، که اطلاعات باارزشی فراهم ساخت. علاوه بر این‌ها مجموعه‌ای از خاطرات شخصیت‌های ایرانی که در حال افزایش بود و نیز انتشار سندهای امنیتی مربوط به شخصیت‌های مهم ایرانی از سوی سازمان‌های مختلف ایرانی که به این اسناد دسترسی داشتند، اطلاعات تکمیلی‌ای را در اختیار پژوهشگران قرار داد. با دسترسی بیشتر به روزنامه‌ها و مجلات ایرانی آن زمان در کتابخانه‌های مرجع ایران و خارج از کشور، مطالعه عمیق و دقیق برای تأیید و بررسی این وقایع آسان‌تر شد. حدود چهار دهه از رفتن شاه و بیش از شش دهه از برکناری مصدق می‌گذرد. تاریخ‌نگاری دورهٔ مصدق به دست محققان خارجی و پژوهشگران ایرانی به خلق آثار محققانهٔ مهمی انجامیده است. لیکن اغلب این پژوهش‌ها در سطح کلی صورت گرفته است و بررسی‌ها و تاریخ‌نگاری‌های خرد در این زمینه هنوز هم اندک‌اند: مطالعاتی که بر

جنبه‌های محوری و برجسته مقطعی خاص از این دوره متمرکز شوند که برای توضیح برش‌ها و یا قطعه‌های آن بررسی‌های کلی ضروری است. احتمالاً برکناری مصدق از قدرت، خصوصاً، بیش از سایر جنبه‌های زمام‌داری وی، توجه‌ها را به خود جلب کرده است. مجهولات و نادانسته‌ها دربارهٔ سرنگونی مصدق و اثرات سیاسی-اقتصادی و نیز اجتماعی-روانی این سرنگونی، تا حدی می‌تواند علت توجه به این دوره را توضیح دهد. این موضوع همچنین امکان مطالعهٔ موردی یک کشور جهان‌سومی در سال‌های آغازین دههٔ ۱۹۵۰ (۱۳۳۰) را فراهم می‌آورد که منافع جهانی برتر را به چالش طلبید. علاوه بر این‌ها، اثرات درازمدت برکناری مصدق بر روابط میان ایران و آمریکا نیز باعث علاقه‌مندی به مطالعهٔ این دوره شده است. توجه و علاقه‌مندی به دورهٔ خاص نخست‌وزیری مصدق به طور عمده محصول میل شدید به دانستن این است که آیا سرنگونی دولت مصدق نتیجهٔ یک برنامه‌ریزی خارجی بود یا یک نقشهٔ کاملاً داخلی، و یا مجموعه‌ای از هر دو این‌ها. این نقشه چگونه شکل گرفت؟ چه کسانی آن را طرح کردند؟ چه کسانی آن را پی گرفتند؟ چه کسانی و چگونه آن را به اجرا درآوردند؟ از آنجا که در نقشهٔ سرنگونی مصدق هیچ سرباز خارجی‌ای شرکت نداشت لازم است، در صورت پذیرش هریک از این سه سناریو، توضیحاتی داده شود در خصوص این‌که سازمان‌دهندگان ایرانی این نقشه چه کسانی بودند، طراحان و اجراکنندگان آن چه افرادی بودند، و کودتا چگونه عملی شد.

نتایج حاصل از چنین مطالعه‌ای ممکن است به جدایی سیاسی طرف‌داران و مخالفان مصدق دامن زند؛ برای این دو گروه «حقیقت» چگونگی سرنگونی مصدق تأییدی است بر قضاوتی که از پیش دربارهٔ ماهیت سیاسی گروه دیگر داشته‌اند. در روان‌شناسی سیاسی ایرانیان، سرنگونی مصدق باعث ایجاد فهم و دریافتی دوگانه از نبرد نیروهای نور (خیر) علیه نیروهای ظلمت (شر) شده است. نیروهای طرف‌دار مصدق جبههٔ مخالف را به تبانی با خارجی‌ها و قربانی‌کردن منافع ملی ایران و

ایرانیان، که منجر به خیانت به نهضت ملی شدن نفت شد، متهم می‌کنند. در نظر آن‌ها مصدق در پایبندی به قانون اساسی، انتخابات آزاد و حق تعیین سرنوشت ایران در بهره‌برداری از منابع طبیعی‌اش تزلزل نشان نداد. به عقیده آن‌ها، مصدق از پشتیبانی مردم برخوردار بود و بدون دخالت خارجی ممکن نبود که از قدرت کنار گذاشته شود. آن‌ها بر این باورند که سرنگونی مصدق بهایی بود که ایران باید به دلیل پیگیری منافع اقتصادی و سیاسی خود می‌پرداخت. طرف‌داران مصدق سرنگونی او را عملی عامدانه و با تحریک خارجی‌ان می‌دانند.

جبهه ضد مصدق مجموعاً نهضت ملی شدن نفت را یک تلاش جمعی مثبت ارزیابی می‌کند. این جبهه نقش مصدق را در جریان ملی شدن نفت انکار نمی‌کند، اما تأکید قابل توجهی دارد بر نقش چهره‌هایی چون کاشانی، مکی، بقایی و نیز افرادی که بعدها در برابر مصدق ایستادند. آن‌ها تأکید می‌کنند که مصدق با این چهره مهمی در دفاع از حق ایران در تعیین سرنوشت اقتصادی و سیاسی خود بود. با در طول زمام‌داری‌اش در جایی از راه راست منحرف شد. به گفته آن‌ها، انحراف مصدق از زمانی آغاز شد که پا در مسیر استبداد رأی گذاشت و برای کسب قدرت اجرایی بیش از حد تلاش کرد. آن‌ها همچنین مصدق را به این دلایل به خیانت متهم می‌کنند: توطئه برای تبعید شاه، سرپیچی از قانون اساسی با محدود کردن قدرت شاه و مجلس، دعوت به برپا کردن یک همه‌پرسی در جهت انحلال مجلس، زمینه‌سازی برای رفتن شاه از کشور با اطاعت نکردن از فرمان شاه که به عزل مصدق و جانشینی سپهبد زاهدی منجر می‌شد. در کنار اتهامات ذکر شده، این استدلال مطرح شد که آن زمان که مصدق متحدان قدیمی مذهبی (کاشانی) و ضدکمونیست (بقایی) خود را رها کرد و در عوض با کمونیست‌ها همدست شد و به آن‌ها آزادی عمل داد، زمینه را برای کسب قدرت توسط آن‌ها مهیا ساخت و باعث برانگیختن خشم بلندپایه‌ترین مقامات شیعه و پیروان متدین آن‌ها شد. گویا ضدیت با سلطنت و تلاش

برای برقراری جمهوری، آخرین قطره‌ای بود که قدح را لبریز کرد و باعث سقوط مصدق شد.

مخالفان مصدق بر این باورند که برکناری او از قدرت مجازاتی بود از سوی مردم ایران به سبب انحراف، سرپیچی از قانون اساسی، احترام‌نگذاشتن به مقام پادشاه در قانون اساسی، و قصد او در برکناری شاه و لگدمال کردن حساسیت‌های مذهبی مردم. این برکناری نتیجه بحرانی داخلی بود که نیروهای داخلی آن را حل و فصل کردند. مخالفان مصدق نقش مستقیم مداخله خارجی در این سرنگونی را یا کمتر از واقع جلوه می‌دهند یا بخشی از آن را نادیده می‌انگارند، و یا کلاً انکار می‌کنند. دعوی آن‌ها علیه مصدق همان استدلال‌های آزموده، دادستان ارتش در دادگاه مصدق، است. آن‌ها تأکید دارند سرنگونی مصدق نتیجه منطقی نارضایتی‌های ایرانیان شاه‌دوست، مذهبی و ملی‌گرا بوده است.

کتاب حاضر می‌کوشد تاریخ خرد را جزء به جزء وقایعی را ارائه دهد که در ۲۸ مرداد به اوج رسید. این کتاب نه درباره مصدق است و نه فهرستی است از هدف‌های دولت او و دستاوردها یا شکست‌های آن دولت، بلکه بیشتر پژوهشی است در باب سرنگونی مصدق و نیز در خصوص شرایط تحقق این سرنگونی. هم مصدق و هم متحدان و مخالفانش وقایعی را به راه انداختند، به آن‌ها واکنش نشان دادند، و در تعامل با آن وقایع عمل کردند. از این رو، هر مطالعه‌ای درباره سرنگونی می‌بایست هم به مصدق و طرف‌دارانش بپردازد و هم به کسانی که او را سرنگون کردند، و مواضع و اعمال هر دو طرف را تجزیه و تحلیل، ارزیابی و گزارش کند. این مطالعه با تکیه بر شواهد و مدارکی که بررسی کرده و به کار گرفته است، نهایتاً باید به این سؤال پاسخ دهد که آیا برکناری مصدق از قدرت، قصد و ابتکار خارجی‌ها بود یا نه؛ و آیا این واقعه یک کودتا، یک انقلاب، یک قیام خودجوش ملی و یا چیزی جز

این‌ها بود. در میدانِ دوقطبیِ دیدگاه‌های موجود، احتمالاً هر گونه نتیجه‌گیری‌ای برچسب طرف‌دارِ مصدق یا ضد‌مصدق بودن را به این اثر و نویسنده آن خواهد زد. بازگویی تاریخچهٔ ۲۸ مرداد، همچون بازگویی تاریخ هر واقعهٔ اجتماعی-سیاسی دیگری، به بروز بعضی دلخوری‌ها و شکل‌گرفتن پاره‌ای قضاوت‌ها می‌انجامد. اثر حاضر تاریخچه‌ای است از وقایع ۲۸ مرداد برای کسانی که کنجکاوند بدانند در آن روز چه رخ داد و چگونه چنین نتیجه‌ای حاصل شد.

من در نوشتن این کتاب، از نظر فکری مدیون افراد زیادی هستم. احمد اشرف نقشی مهم در راهنمایی من برای نوشتن این کتاب ایفا کرد. من از او به عنوان یک مخاطب دانا و الهام‌بخش، یک مربی، قدردانی می‌کنم. یحیی دهقان بود که نه تنها در یافتن کتاب‌های موردنیازم یاری‌ام کرد، بلکه در یک بعدازظهر گرم تابستان که در زیرزمین منزلش به دنبال روزنامه‌ها و مجلات قدیمی مربوط به سال‌های ۱۳۳۱-۱۳۳۲ بود، گنجینه‌ای را به من اهدا کرد. سه بستهٔ بزرگ مملو از مجلات و کتاب‌هاک‌گرفتهٔ آن زمان که حاوی اطلاعاتی ارزشمند دربارهٔ آن دوره بودند. تحقیقات و جست‌وجوهای من در کتاب‌خانهٔ ملی ایران برای یافتن هفته‌نامه‌ها و کتاب‌ها تا حد زیادی به لطف پوران سلطانی، که من همیشه در تحقیقاتم مدیون او هستم، و کارمندان آن جا که از کمک‌های بی‌دریغ‌شان سپاسگزارم، میسر و ممکن شد.

زمانی که حوادثِ رخ داده در ۲۸ مرداد را بررسی می‌کردم بیش از پیش متوجه این نکته شدم که برای پی‌بردن به حرکتِ نقش‌آفرینانِ مختلفِ این واقعه، به نقشه‌ای از تهران نیاز است تا به کمک آن بدانیم چرا در آن روز افرادی به فلان محل رفتند و منطق جمع‌شدنشان در مناطق گوناگون چه بود است. فیروز باقرزاده، انسانی محترم و پژوهشگری راستین، با تهیهٔ سه نقش از تهران مرا یاری کرد تا بتوانم این وقایع و منطق پشت آن‌ها را عیناً مجسم کنم. وضوح و روشنی‌ای که این نقشه‌ها ایجاد کردند مرا متقاعد ساخت که برای روایت وقایع روز ۲۸ مرداد به یک تاریخ مبتنی بر نقشه نیاز است. این

کار به دست ژنه کوت، دانشجوی رشته تاریخ هنر در دانشگاه آمریکایی پاریس، عملی شد. او صبورانه و ماهرانه بر روی این نقشه‌ها کار کرد، نمادها و نشانه‌ها را چندین بار طراحی نمود، نام خیابان‌هایی را که در نقشه نیامده بود ثبت کرد و سرانجام به چهار نقشه تاریخی موجود در کتاب جان بخشید که اینک در دسترس عموم قرار دارند. من از او بی‌نهایت متشکرم. همچنین از زهرا برای کارش بر روی تصویر بسیار گویای جلد کتاب [چاپ انگلیسی] و از رضا برای کمکش در تهیه نمایه متشکرم.

من از دانش، سخاوت و لطف افراد زیادی بهره برده‌ام. عبدالله انوار، جان گرنی و فریدون رشیدیان اولین پیش‌نویس این کتاب را خواندند و این متن تا حد زیادی از نگاه تیزبین آن‌ها در مورد جزئیات، اشتباهات و نواقص، و به دنبال آن، از پیشنهادها، اظهارنظرها و توصیه‌های باارزش آن‌ها سود برد. مارک گازیوژو سکی و علی فیضی این متن را با دقت خواندند، درباره آن نظر دادند و منابعی را به من معرفی کردند که خود به آن‌ها توجه نکرده بودم. از آن‌ها تشکر می‌کنم. دانیل گان، با مهربانی، مهارت جادویی خود را در ویرایش کتاب به کار برد و آن را بیش از پیش قابل خواندن کرد. در پایان، به خوانندگان این کتاب پیشنهاد می‌کنم قبل از شروع به خواندن متن اصلی، نگاهی به بخش روزشمار وقایع بیندازند.